هنر و تعاریف آن

اذکایی، پرویز

مسأله‏ی«هنر چیست؟»از روزگاران بسیار گذشته تا زمان ما بارها موضوع کتابها و نوشته‏های متعددی قرار گرفته و پیوسته مورد تحقیق دانشمندان‏ و هنرشناسان واقع گردیده است.

تعارف هنر مختلف است،زیرا صاحبنظران،نظریاتشان در این باره، از منظرهای گوناگون فلسفی و ایده‏اولوژیکی ابراز گردیده و هریک با جهان‏بینی‏ خاصی،تعریف و یا تعاریفی از هنر بدست آورده‏اند.

اما چون:«محصولات تفکر انسانی در طی نسلها و مخصوصا بعلت رشد امروزی و سایل انتقال فکر،بدیگران منتقل میکردند و این تفکرات در انسانهای دیگر، برحسب مقتضیات محیط و مبارزات ایده‏اولوژیک‏1که بهر شکلی در مذهب،هنر، فرهنگ و غیره تجلی حاصل میکند،جمع شده،تکثیر نموده،و از آنها نتایج جدیدی‏ خلق میگردد»بنابراین ممکن است بر اثر تغییرات و تبدلات پیوستگی،باز هم نتایجی‏ در این زمینه تفکر و تحقیق حاصل شود،که موضوع بسیاری از نوشته‏ها درباره‏ی‏ هنر تواند بود.

بررسی هنر در جامعه ما بحثی جداگانه دارد،اما از این نمیتوان گذشت: «آنچه که امروز بنام هنر در جامعه ما مسیر خویش را طی میکند،هنر واقعی، یعنی هنر انسان نو،هنر انسانیکه پیکار میکند تا زندگی را از فساد و تباهی نجات‏ دهد نیست.آنچه که نام هنر بخود گرفته است،عبارست از تعقیب رذیلانه اندیشه‏ها و احساسات خود بخودی مردمی که از هر فرهنگ،و هر نوع پرورش آزاد مردانه‏یی‏ برای درهم شکستن قالبهایی پوسیده زندگی،محروم مانده‏اند.هنر وسیله خودنمایی‏ و خود فروشی گشته و بصورت نفرت‏انگیزی در سطح فکر مردم عادی باقی‏ مانده است.».

مطالعه هنر و تتبع و تحقیق در این پدیده‏ی بزرگ اجتماعی و بحث در تعاریف‏ آن،دست کم در تبیین هنر واقعی و در باز شناختن مبتذلانی بنام هنر،میتواند مؤثر باشد.

با این وجیزه،التقاطی از گفته‏ها و استقصایی از عقاید و آراییکه تاکنون‏ بیان گردیده(آنچه که یافته و دریافته‏ایم)بعمل میآید.و با اینکه در این گردآوری، (1)- Ideologique بحث تصوراتی و مفهوماتی(سیر حکمت).آرمانی نه آنچنان فروتنانه که هریک بنقل آمده معلوم داشته‏ایم،معهذا برخی مآخذیکه‏ مورد استفاده واقع گردیده است عبارتند از:

استتیک(شناخت زیبایی)-فلیسین شاله،ترجمه علی اکبر بامداد.زیبا شناسی در هنر و طبیعت-استاد علینقی وزیری(چاپ دانشگاه).زیباشناسی- ترجمه و نگارش ایرج پورباقر.مکتبهای ادبی-تألیف رضا سید حسینی(چاپ دوم) رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات-تألیف دکتر میترا(چاپ دوم).

سیر حکمت در اروپا-محمد علی فروغی.تکنیک تآتر-گردآورنده خیرخواه. آناهیتا(مجله-4 شماره).سخن(مجله-شماره 10 و 11).امید ایران(مجله-سال‏ 1336 شماره‏های 10 و 12).هنر چیست؟تولستوی-ترجمه کاوه دهگان. وجوه رئالیزم در هنر-نوذر گرانمایه.ماهنامه‏های اطلاعات.و شماره‏هایی از مجله‏ های هنری.دانش و هنر-دکتر هشترودی.

\*\*\* استتیک(1)شناخت زیبایی که در زبانهای اروپایی آنرا استتیک میگویند، معرفتی است که از زیبا و هنر و هنرها گفتگو مینماید.یکی‏ از فلاسفه‏ی آلمان موسوم به بوم گارتن‏2از پیروان‏ لایب نیتس‏3در سال 1735 واژه‏ی استتیک را که سابقا بمعنای نظری حساسیت‏ بود،برای اولین بار در تألیف خود بنام«استتیکا»در معنی بالا بکار برده است.

ولی این رشته معرفت از قدیم وجود داشته است.در فلسفه‏ی باستانی یونان و همچنین در فلسفه چین و هند،نظریات و عقایدی درباره‏ی زیبا و زیبایی و شرایط آن وجود دارد.از آن نیز به«معرفت جمال»یاد کرده‏اند.

هدف شناخت زیبایی همان‏گونه که درباره منطق و مقصود از آن گفته‏اند:تمییر است،استتیک تمییز زیبا از نازیبا و شناخت روشهای هنری،و زیبایی آثار هنرمندان یا بمنظور نقد و سنجش برطبق قواعد و اصولی،که البته این قواعد و قوانین ثابت‏ نیستند.زیرا هر تئوری استتیک اصولا ناقص است،چون هرکسی یک جنبه زیبایی‏ را در نظر میگیرد،و کمتر متوجه اصل غیر قابل بیان آن میشود.اگر یک کتاب استتیک‏ را ورق بزنیم،خواهیم دید عقاید مختلفی ابراز گردیده،از جمله زیبایی را در: «تناسب اشکال»،«تعادل معانی»،«وحدت متنوع»،«نظم»،«کمال موجود» میدانند.بهر تقدیر مطالعه استتیک،شناخت زیبایی را در اشخاص بیدار نموده، نیرو میبخشد و باز شناختن پدیده‏های هنری،و نقد و سنجش آنها را آسان میسازد و چونی و چندی آنها را بررسی مینماید و نیز در ادراک زیباییهای طبیعت موثر، (1)- Esthetique

(2)- Baumgarten

(3)- Wllhelm Lelbming از بزرگترین حکمای اروپا در قرن هفده‏ تا اوایل قرن هجدهم در 1648 در لایپزیک تولد یافت و در 1716 درگذشت.آثار فلسفی و علمی و تاریخی فراوان و مشهودی بزبانهای لاتین و آلمانی و فرانسه دارد.

بل با دانشهای طبیعت‏شناسی قرابت دارد.

خلاصه اینکه شناخت زیبایی همانند سایر علوم دارای دو هدف نظری و عملی است که در مورد نخست بقول دانشمندی:«اگر شناخت زیبایی خوب تعلیم‏ داده شود،ممکن است بمنزله‏ی مقدمه فلسفه باشد».از نظر هدف عملی چنانکه‏ گذشت،میتواند استعدادهای شگفت‏انگیز را پدید آورده،یا برانگیزد و بگفته‏ی‏ فلیسین شاله‏1:«کسیکه جذبه و زیبایی اشیاء و موجودات را بانظر ارتیستیک‏2 تشخیص میدهد،طبیعت را هم دوست داشته و بهتر از دیگران وظایف خود را درباره‏ عالم طبیعت و موجوداتی که در آن زندگی مینمایند،انجام خواهد داد.این‏چنین‏ شخص میتواند عظمت زندگی شرافتمندانه،علو فداکاریهای جوانمردانه و زیبایی‏ تقوی و فضیلت را تشخیص داده و تقدیر نماید.».چنانکه گذشت،استتیک رشته‏یی‏ از علوم و از شعبه های فلسفه محسوب است.راهها و اسلوبهاییکه در سایر علوم بکار برده میشود،تا حقایقی کشف گردد،در استتیک نیز مرعی میگردد.لهذا شناخت‏ زیبایی از لحاظ علوم و شعب فلسفی مورد بحث واقع شده است.دنباله دارد (1) Chally از دانشمندان اروپایی و استاد فلسفه-از کتب مشهور او «هنر و زیبایی»است که چندین بار بفارسی ترجمه شده است و نیز ملخص و ملتقط مطالب همین کتاب در«زیباشناسی»تألیف و ترجمه استاد علینقی وزیری آورده‏ شده است(چاپ دانشگاه 1329)

(2) Artistique هنرمندانه

\*\*\* از علامه فقید علی اکبر دهخدا

یاد آر!ز شمع مرده یار آر!

ای مرغ سحر!چو این شب تار بگذاشت ز سر سیاهکاری‏ وز نفخه روحبخش اسحار رفت از سر خفتگان خماری‏ بگشوده گره ز زلف زر تار محبوبه نیلگون عماری‏ یزدان بکمال شد پدیدار و اهریمن زشت‏خو،حصاری‏ یاد آر ز شمع مرده یاد آر! چون باغ شود دوباره خرم‏ این بلبل مستمند مسکین‏ وز سنبل و سوری و سپر غم‏ آفاق،نگار خانه چین‏ گل سرخ و به رخ عرق ز شبنم‏ تو داده ز کف زمام تمکین‏ زان نوگل پیشرس که در غم‏ ناداده بناز شوق تسکین‏ از سردی دی فسرده،یاد آر! چون گشت ز نو زمانه آباد ای کودک دوره طلایی‏ وز طاعت بندگان خود شاد بگرفت ز سر خدا،خدایی‏ نه رسم ارم،نه اسم شمداد گل بست زبان ژازخایی‏ ز آن کس که ز نوک تیغ جلاد ماخوذ بجرم حق ستایی‏ تسنیم وصال خورده،یاد آر!